



## «سعی صفا و مروه» در حج، نماد تلاش مستمر انسان در میان بیم و امید است

حج، به عنوان یکی از ارکان بنیادین آیین اسلام، فراتر از یک فریضه عبادی ساده، منظومه‌ای جامع از آموزه‌های الهی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی است که در کالبد یک سفر معنوی دمیده شده است.

حج، به عنوان یکی از ارکان بنیادین آیین اسلام، فراتر از یک فریضه عبادی ساده، منظومه‌ای جامع از آموزه‌های الهی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی است که در کالبد یک سفر معنوی دمیده شده است.

به گزارش خبرنگار مهر، حج، به عنوان یکی از ارکان بنیادین آیین اسلام، فراتر از یک فریضه عبادی ساده، منظومه‌ای جامع از آموزه‌های الهی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی است که در کالبد یک سفر معنوی دمیده شده است. این مناسک که ریشه در سنت ابراهیمی دارد، در واقع بازسازی نمادین صیوروت انسان به سوی کمال و نمایش عینی پیوند میان خلق و خالق است. حج، نقطه‌ی تلاقی زمین و آسمان و میعادگاه توده‌هایی است که از قید و بندهای مادی گسسته و به سوی وحدانیت مطلق شتافته‌اند. در متون اسلامی و پژوهش‌های قرآنی، حج نه تنها به عنوان وسیله‌ای برای تطهیر فردی، بلکه به مثابه مانوری عظیم برای نمایش اقتدار امت اسلامی و تبلور ارزش‌های انسانی در پهنه جهانی شناخته می‌شود.

### ابعاد وجودی و فلسفه تشریح حج

فلسفه حج در وهله نخست، در اصل «ذکر» و «یادآوری» نهفته است. انسان در غوغای زندگی مادی و در لایه‌های تودرتوی روزمرگی، دچار نسیان می‌شود و خویشتن اصیل خود را گم می‌کند. حج، فراخوانی است برای بازگشت به فطرت توحیدی. طبق آموزه‌های قرآنی، بیت الله الحرام «مبارکاً و هدیاً للعالمین» است؛ مکانی که نه فقط برای مسلمانان، بلکه مایه هدایت برای تمامی جهانیان به شمار می‌رود. فلسفه تشریح حج را می‌توان در سه ساحت فردی، اجتماعی و جهانی تحلیل کرد. در ساحت فردی، حج تمرین خودسازی و تسلط بر نفس است. احرام، که نخستین گام این سفر است، نماد برکندن لباس عادت و تعلقات دنیوی است. حاجی با پوشیدن دو تکه پارچه ساده، تمامی امتیازات طبقاتی، نژادی و مالی خود را پشت سر می‌گذارد و در برابر پروردگار، برهنگی معنوی خود را ابراز می‌دارد. این حرکت، فلسفه‌ای عمیق در جهت نفی فخرفروشی و تکبر دارد که ریشه بسیاری از مفاسد اخلاقی بشر است.

در بعد اجتماعی، حج مظهر وحدت و انسجام است. کعبه به عنوان قطب نما و مرکز ثقل جهان اسلام، تمامی پراکندگی‌ها را به یگانگی بدل می‌کند. طواف پیرامون این مرکز واحد، نشان دهنده حرکت کل هستی بر مدار حق است. در اینجا، فرد در جمعیت ذوب می‌شود و «من» به «ما» بدل می‌گردد. این تمرین جمعی، فلسفه‌ای سیاسی-اجتماعی دارد که هدف آن خنثی کردن توطئه‌های تفرقه افکن و ایجاد ساختاری مستحکم از امت واحد است. بر اساس تحلیل‌های قرآنی، حج «قیاماً للئاس» است؛ یعنی مایه پایداری و برپایی استواری زندگی مردم. این بدان معناست که حج باید تکیه‌گاهی برای عدالت اجتماعی و برابری انسان‌ها باشد.

### تجلی توحید در مناسک ابراهیمی

هر یک از مناسک حج، حامل پیامی عمیق و درس‌هایی ماندگار است. «احرام» آغازگر هجرتی است از خود مجازی به سوی خود حقیقی. در این مرحله، محرّمات احرام به انسان می‌آموزد که حتی از امور حلال نیز به خاطر امر الهی چشم پوشی کند تا قدرت اراده اش تقویت شود. «طواف»، که هفت مرتبه گردش بر گرد خانه خداست، رمزی از نظام کیهانی و چرخش افلاک است. انسان با طواف، اعلام می‌کند که در منظومه هستی، هیچ محوری جز الله وجود ندارد. این حرکت، نفی بت‌های مدرن و سنتی است؛ بت‌هایی که در قالب قدرت، ثروت و شهرت، انسان را به بندگی خود می‌کشانند.

«سعی صفا و مروه»، بازخوانی مجاهدت‌های هاجر برای بقا و نمادی از تلاش مستمر انسان در میان بیم و امید است. این منسک به بشریت می‌آموزد که در عین توکل به خداوند، نباید از کوشش و حرکت بازایستاد. «عرفات»، مرحله شناخت و معرفت است. توقف در صحرای عرفات، پیش‌درآمدی بر آگاهی است. در این سرزمین است که انسان با تأمل در درونیات خود و راز و نیاز با خالق، به درک عمیق تری از هستی دست می‌یابد. عرفات، نمادی از رستاخیز و روزی است که همه انسان‌ها در پیشگاه عدل الهی حاضر می‌شوند، بدون هیچ برتری مادی. پس از معرفت، نوبت به «مشعر» یا شعور می‌رسد؛ مرحله‌ای که حاجی در شب، به جمع‌آوری سلاح (سنگریزه‌ها) برای مبارزه با شیطان می‌پردازد. این توالی معرفت، شعور و سپس جهاد (رمی جمرات)، الگویی کامل برای زندگی هدفمند بشری است.

«رمی جمرات» یا سنگ زدن به نمادهای شیطان، در واقع اعلام انزجار از نیروهای اهریمنی درونی و برونی است. این حرکت نمادین به انسان می آموزد که صلح و کمال، تنها در سایه مبارزه با رذایل و استکبار میسر است. «قربانی کردن» نیز که در انتهای این مسیر قرار دارد، سر بریدن تعلقات و وابستگی هایی است که مانع رسیدن به حقیقت می شوند. قربانی، درس ایثار و ازخودگذشتگی در راه آرمان های والای انسانی است.

پیام های جهانی و درس های حج برای بشریت

حج دارای پیام هایی است که مرزهای مذهبی را درنور دیده و با مخاطبان جهانی سخن می گوید. نخستین درس حج، «برابری و نفی نژادپرستی» است. در صحنه حج، سیاه و سفید، فقیر و غنی، و حاکم و رعیت در کنار هم و با یک پوشش واحد گام برمی دارند. این بزرگترین بیانیه عملی علیه تبعیض نژادی و طبقاتی است که جهان امروز همچنان از آن رنج می برد. حج به بشریت می گوید که کرامت انسان ها نه به رنگ پوست و نه به حجم دارایی شان، بلکه به میزان تقوا و انسانیت آن هاست.

درس دوم حج، «صلح و امنیت جهانی» است. مکه، حرم امن الهی نامیده شده است؛ مکانی که در آن حتی صدمه زدن به یک گیاه یا حیوان نیز ممنوع است. این فلسفه، الگویی از «زیست کره امن» را ارائه می دهد. اگر روح حج در جهان حاکم شود، خشونت و جنگ جای خود را به همزیستی مسالمت آمیز خواهند داد. حج، مشق صلح در سایه بندگی خداست. امنیت است که در حج تجربه می شود، نه یک امنیت نظامی و پلیسی، بلکه امنیتی برخاسته از ایمان و احترام متقابل به حقوق دیگران و حتی حقوق طبیعت است.

سومین درس، «وحدت در عین کثرت» است. حج نشان می دهد که چگونه میلیون ها انسان با زبان ها، فرهنگ ها و ملیت های مختلف می توانند حول یک هدف مشترک جمع شوند. این الگو، پاسخی به بحران های هویتی در جهان معاصر است. حج به انسان ها می آموزد که تنوع فرهنگی نباید عاملی برای برخورد و نزاع باشد، بلکه باید به عنوان ابزاری برای «لتعارفوا» (شناخت یکدیگر) به کار گرفته شود. این تعامل فرهنگی در ایام حج، بستری برای تبادل آرا و تقویت پیوندهای انسانی فراهم می کند.

حج به مثابه رستاخیز کوچک و تمرین بازگشت

یکی از ابعاد تکان دهنده حج، شباهت آن به صحنه قیامت است. خروج از وطن، غسل کردن، پوشیدن لباس کفن مانند احرام و حضور در صحرای بیکران، همگی یادآور لحظه کوچ نهایی انسان از این جهان است. این بعد از حج، درس «مسئولیت پذیری» به انسان می دهد. وقتی حاجی درک می کند که مسافری بیست و باید روزی پاسخگوی اعمال خود باشد، در رفتارهای دنیوی خود تجدیدنظر می کند. این آگاهی معنوی، منجر به اخلاق مداری در ساحت زندگی اجتماعی می شود. انسانی که طعم حج واقعی را چشیده باشد، دیگر نمی تواند به ظلم تن در دهد یا خود به دیگران ستم کند.

علاوه بر این، حج تمرین «صبر و بردباری» است. سختی های سفر، تراکم جمعیت و محدودیت های احرام، روح انسان را صیقل می دهد و استقامت او را در برابر دشواری های زندگی تقویت می کند. بشریت امروز که در رفاه زدگی و تن آسایی غرق شده، بیش از هر زمان دیگری به این تمرین های ارادی برای تقویت اراده و تاب آوری نیاز دارد.

در آیات قرآنی، حج با مفاهیمی چون «منافع برای مردم» (لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ) گره خورده است. این منافع تنها شامل پاداش های اخروی نیست، بلکه منافع اقتصادی، سیاسی و علمی را نیز در بر می گیرد. حج فرصتی است تا نخبگان جهان اسلام و اندیشمندان بشری در یک فضای قدسی به بررسی مشکلات مشترک بپردازند و برای برقراری عدالت در جهان چاره اندیشی کنند. بر اساس متون پژوهشی، حج باید کانون بیداری و آگاهی بخشی باشد. برائت از مشرکین که بخشی از روح حج است، به معنای بیزاری از هرگونه نظام سلطه و بیدادگری است. این درس حج، انسان را از انفعال خارج کرده و به یک عنصر فعال و مطالبه گر در راه حق بدل می سازد.

قرآن کریم کعبه را «بیت عتیق» (خانه آزاد و رها از مالکیت) می نامد. این نام گذاری حامل این پیام است که هیچ قدرتی حق انحصار و تملک بر این کانون هدایت را ندارد. حج متعلق به همه انسان هاست و این آزادی بنیادین، درس آزادگی به بشریت می دهد. انسان در حج می آموزد که بنده هیچ کس جز خدا نباشد و در برابر هر آنچه آزادی و آزادگی او را سلب می کند، ایستادگی کند.

در پایان، می توان گفت حج یک «دوره کامل تربیت انسانی» است. این فریضه بزرگ، ترکیبی از عرفان، حماسه، سیاست و اخلاق است. فلسفه حج در تبدیل کردن «بشر طبیعی» به «انسان الهی» خلاصه می شود. درس های حج برای بشریت، درس هایی

همیشگی و فراجناحی هستند؛ درس برابری، برادری، صلح، مبارزه با ستم و بازگشت به ریشه های اصیل انسانی.

اگر جهان امروز به پیام های واقعی حج گوش فرسپارد، بسیاری از بحران های ناشی از خودخواهی، نژادپرستی و دنیاگرایی افراطی فروکش خواهد کرد. حج به ما می آموزد که کمال انسان نه در انباشتن دارایی، بلکه در پیمودن مسیر به سوی خداوند و خدمت به خلق است. این سفر معنوی، نمادی از حرکت تاریخ به سوی پیروزی نهایی حق بر باطل و استقرار عدل جهانی است. از این رو، حج را نباید تنها یک مناسک مذهبی برای بخشی از ساکنان زمین دانست، بلکه باید آن را یک میراث معنوی عظیم برای کل بشریت قلمداد کرد که در صورت درک صحیح ابعاد آن، می تواند راهگشای بسیاری از بن بست های اخلاقی و اجتماعی معاصر باشد. حقیقت حج، پیوند ناگسستنی عبادت خالق و خدمت به مخلوق است؛ پیوندی که زمین را به بهشتی از امن و ایمان بدل می سازد.